

بنزین آتش‌زاست



کامبیز نوروزی

حقوق دان

حقوق در جملات خشک و بی‌روح قوانینی که روی کاغذهای کهنه و نو نوشته شده‌اند، خلاصه نمی‌شود. فقط قانون نیست که می‌تواند کشور را نظم و انتظام ببخشد. در دستگاه‌های عمومی، کاغذ قانون وظیفه هر دستگاه و هر مقام را تعریف کرده است؛ اما این قوانین زمانی می‌توانند نظم و نظامی به کشور بدهند که اولاً درست نوشته شده و درست اجرا شوند و ثانیاً تمامی دستگاه‌ها در پیوستگی و ارتباطی سیستماتیک با یکدیگر حرکت کنند. ماجرای اعلام قیمت جدید بنزین آزاد در استان کرمان نشان می‌دهد این دو شرط فراهم نیستند. در استان کرمان موضوع اعلام قیمت چهارم بنزین به مبلغ ۸۷هزار، ۲۰۰ تومان طرف شش ساعت شکل گرفت و تمام شد. معاون استاندار خبر را در ساعت ۱۸:۲۰ روز چهارشنبه اعلام کرد، استاندار در ۲۴ دقیقه بامداد روز پنجشنبه خبر از توقف طرح داد. اهمیت قیمت بنزین در اقتصاد کشور، بودجه دولت و بودجه خانوار هیچ مشابهی ندارد.

در همه سال‌های گذشته، همه دولت‌ها با بیشترین حد احتیاط به موضوع قیمت بنزین نگاه کرده‌اند تا بتوانند آثار و عوارض اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش قیمت را به حداقل رسانده و مهار کنند. با این همه، در سال‌های ۱۳۸۶ و خصوصاً ۱۳۹۸ اعتراضات وسیع به درگیری میان معترضان و نیروهای انتظامی کشید و دردرسهای بسیاری درست شد. اما یکباره در یک استان بزرگ و مهم کشور ناگهان خبر افزایش تقریباً سه هزار درصدی بنزین آزاد به یک بمب خبری تبدیل می‌شود.

یکی، دو روز بعد معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی با اعلام اینکه تعیین نرخ ۸۷هزار و ۲۰۰ تومان برای بنزین آزاد یکی از گزینه‌های دولت برای جبران کمبود بنزین است، این دلهره را برای مردم نگه می‌دارد. سپس عارف، معاون اول رئیس‌جمهور نیز خبر تعیین قیمت بنزین آزاد به نرخ ۸۷هزار و ۲۰۰ تومان را تأیید می‌کند.

ایمن خبرها یک پرسش و ابهام بزرگ را پیش می‌کشند: نظم حقوقی و مدیریت امور در کشور چگونه است که تصمیم‌گیری در موضوع بزرگ و مهم بنزین که می‌تواند زلزله‌ای عظیم در زندگی مردم ایجاد کند و حتی به اعتراضات مردمی منجر شود، تا این حد بی‌سامان است؟

شیوه رفتاری شتاب‌زده مسئولان استان کرمان، سکوت مقامات ارشد کشوری و سپس خبری که رئیس سازمان بهینه‌سازی و کمی بعدتر معاون اول اعلام می‌کنند، نشان از یک گسیختگی عمیق در ساخت حقوقی دولت و موقعیت مردم از حیث حقوق اساسی ملت دارد. هر اندازه کاری بزرگ‌تر، خطرتر و مهم‌تر باشد، تصمیم‌گیری و اجرای آن نیازمند ساختاری متفکرتر، دقیق‌تر، هوشتارتر و منسجم‌تر است که نگاهی ملی داشته باشد. در خبری که رسانه‌ها از قبول عارف نقل کرده‌اند، او گفته است قیمت چهارم بنزین با بررسی‌های کارشناسی و تعامل با نهادهای امنیتی تعیین شده است. یعنی کسانی که ادعای کار کارشناسی دارند، می‌دانند این افزایش انفجاری ممکن است به اعتراضات عمومی بینجامد وگرنه نیروهای امنیتی را چه کار به قیمت بنزین. با ایمن همه بحران و وضعیت جنگی، شکل‌گیری یک اعتراض عمومی از زهر هلاهل بدتر است. وقتی ساختار حقوقی دولت گسیخته باشد، استان کرمان بدون هماهنگی با مقامات بالادستی تصمیم به افزایش قیمت می‌گیرد؛ یعنی تنش را تولید می‌کند. سپس طرف چند ساعت طرح را متوقف می‌کنند. در ادامه در بن‌بست تأمین بنزین مورد نیاز کشور دو معاون رئیس‌جمهور نیز حرف همان قیمت را تأیید می‌کنند. اگر معاون استانداری کرمان آن خبر را به خطا اعلام نمی‌کرد، دولت همچنان در گیرودار بی‌برنامگی و بی‌نظمی در تصمیم به افزایش بی‌سابقه قیمت بنزین محصور مانده بود و بی‌سامانی ساخت حقوقی‌اش هویدا نمی‌شد. اما حقوق اساسی ملت نیز در این تصمیم دولت در معرض حمله است. برای فهم اینکه با این افزایش قیمت چه بلایی بر قیمت سایر کالاها، از مسکن، غذا و دارو تا شیرخشک و پوشک نوزادان می‌آید، لازم نیست اقتصاددان بود. آخرین داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه در تیر ۱۴۰۵ به ۸۷٫۹ درصد و تورم سالانه به ۶۶ درصد رسیده و شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز نسبت به خرداد ۳۰٫۱ درصد افزایش یافته است. شاخص فلاکت تا خرداد ۱۴۰۵ به ۶۱٫۳ درصد رسید.

۴ صفحه ادامه در

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۵ ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ ۱۹ آگوست ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۵۴
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه شرق

روایت «شرق» از طرح پرحاشیه این روزهای مجلس

پاک‌کردن صورت‌مسئله «نفوذ»

عبدالرحمن فتح‌اللهی: در شرایطی که کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های متعدد دست‌وپنجه نرم می‌کند، هر طرح و لایحه تازهای باید پیش از تصویب نه‌فقط با معیار نیت و هدف اعلامی، بلکه با سنجه پیامدهای واقعی آن در وضعیت فعلی ایران ارزیابی شود. در چنین فضایی، طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها با نهادهای بیگانه در کشور» بیش از آنکه صرفاً یک طرح امنیتی باشد، نیازمند آسیب‌شناسی جدی از منظر آثار اجتماعی، علمی، فرهنگی و حتی امنیتی خویش است. متن طرح در ۱۹ ماده، دامنه‌ای بسیار گسترده از ارتباطات علمی، رسانه‌ای، فرهنگی، اقتصادی، مدنی و بین‌المللی را در معرض محدودیت و مجازات قرار داده است. اصل مقابله با جاسوسی و نفوذ سازمان‌یافته، نه‌تنها قابل مناقشه نیست، بلکه از وظایف طبیعی و بدیهی هر حکومت است؛ اما مسئله اینجاست که آیا ابزار انتخاب‌شده واقعاً متوجه «نفوذ» است یا آنکه به‌تدریج دایره‌ای بسیار وسیع‌تر از رفتارهای عادی و

عبدالرحمن فتح‌اللهی، مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در نشست خبری

گزارش میدانی «شرق» از داروخانه‌های منتخب و مسئله ای که با کمبود دارو، گرانی و اختلال در تأمین ادامه دارد

نسخه‌های سرگردان

صفحه ۵

یادداشت

نگاهی به الگوی تکرارشونده شوک قیمتی بنزین



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

بسیاری از اقتصاددانان نیز بر این نظرند که در شرایط کنونی، اعمال شوک قیمتی، اقدامی نادرست و مخرب است. از این‌رو، به‌جای مرور اشتباهات گذشته یا ارائه راهکارهای بلندمدت فاقد امکان اجرا، باید بسته‌ای عملیاتی طراحی شود که هم‌زمان به کاهش تدریجی ناترازی و حداقل فشار بر اقشار آسیب‌پذیر منجر شده و با شفافیت و مشارکت عمومی، مشروعیت اجتماعی کسب کند.

۴

۱. سیاست‌های غیرقیمتی مدیریت تقاضا: این سیاست فوری و کم‌هزینه است و شامل اجرای طرح کاهش سفرهای غیرضروری در ادارات، تدوین برنامه مدون دورکاری اداری که بنا بر برخی محاسبات به کاهش چند درصد مصرف بنزین می‌انجامد، تشویق مالی خودروهای عمومی و تاکسی‌های اینترنتی به

یادداشت

روزی که بازار تهران از «اقتصاد بدون نفت» دست کشید

بازخوانی سقوط مرداد ۱۳۳۲ از زاویه اقتصاد پولی، اعتبارات بانکی و روان‌شناسی بازار



امیراحمد شیشه‌گر

اکثر تحلیل‌های تاریخی درباره رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر ابعاد امنیت، مداخلات خارجی (سپا و MI6) و شکاف‌های سیاسی داخلی تمرکز داشته‌اند، اما تحلیل دقیق داده‌های پولی و بیلان بانک ملی ایران نشان می‌دهد که تکیه‌گاه اصلی سقوط دولت مصدق، فرسایش خاموش شریان‌های مالی و قفل‌شدگی نقدینگی بازار در تابستان ۱۳۳۲ بوده است. این مقاله با استناد بر آمار و ارقام رسمی بانک ملی و وزارت دارایی وقت، روند انقباض اعتبار، جهش نرخ ارز و فروپاشی توان مقاومت بازار تهران را بررسی می‌کند.

۱. مقدمه: سنگر مالی فراموش‌شده در ادبیات تاریخی

تجربه «اقتصاد بدون نفت» در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲، نخستین آزمون بزرگ یک کشور در حال توسعه برای مواجهه با تحریم کامل صادرات انرژی در قرن بیستم بود. اگرچه هیجان ملی و فروش ابتدایی «اوراق قرضه ملی» در سال ۱۳۳۰ هجوم نخستین تحریم‌ها را مهار کرد، اما با طولانی‌شدن محاصره اقتصادی و فلج‌شدن سیستم پرداخت‌های بین‌المللی، اقتصاد ایران وارد یک پیچیدگی ساختاری پولی شد. بی‌توجهی به روان‌شناسی تجار بازار و ساختار اعتباری سنت‌گرای تهران، رقم مالی بازار را دقیق‌تر در حادترین نقطه بحران سیاسی یعنی مرداد ۱۳۳۲ خشکاند.

۲. مکانیسم انقباض نقدینگی (Credit Crunch) و قفل‌شدن بازار تهران

دولت دکتر مصدق برای جلوگیری از تورم افسارگسیخته، انضباط پولی بسیار شدیدی اعمال کرد و از چاپ بی‌رویه اسکناس بدون پشتوانه امتناع ورزید. حجم اسکناس در جریان بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ تقریباً ثابت نگه داشته شد؛ اما در شرایطی که درآمد نفت (که بیش از ۵۰ درصد بودجه و بخش اعظمی از ارز کشور را تأمین می‌کرد) صفر شده بود، این انضباط پولی شدید منجر به «قفل‌شدگی اعتبارات» (Credit Crunch) در بازار تهران شد. بازار سنتی تهران بر پایه معاملات جهره‌ای و سیستم «برات» و اعتبارات کوتاه‌مدت استوار بود. با کاهش ذخایر ارزی بانک ملی، قدرت اعطای وام و اعتبارات تجاری به‌شدت تنزل یافت. جهره‌داران و تجار عمده که باید سررسید برات‌های خود را پرداخت می‌کردند، با ناپدیدشدن پول نقد مواجه شدند. نتیجه این فرایند، ناتوانی تجار در وصول مطالبات و در نهایت چرخش



پیروز حناچی در گفت‌وگو با «شرق» از نگرانی‌هایش برای تهران می‌گوید

شهرفروشی نسخه ویرانی تهران



پیروز حناچی

یادداشت

نگاهی به الگوی تکرارشونده شوک قیمتی بنزین

دوگانه‌سوزشدن با ارائه تسهیلات بلاعوض یا وام کم‌بهره، آغاز نوسازی ناوگان فرسوده از طریق واردات محدود خودروهای کم‌مصرف یا تولید داخلی با اولویت موتورهای پاک و توسعه زیرساخت‌های گازرسانی سی‌ان‌جی در کلان‌شهرها و افزایش جایگاه‌های سوخت‌گیری گاز همراه با مشوق قیمتی نسبی.

۲. سیاست اصلاح قیمتی تدریجی و شفاف: حفظ سهمیه بارانه‌ای برای خانوارها با نرخ فعلی، اما قیمت مازاد بر سهمیه با ضریب مشخصی مثلاً دو تا سه برابر قیمت فعلی افزایش یابد. افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصد سالانه نرخ قیمتی سهمیه بنزین و افزایش قیمت بنزین مازاد بر سهمیه با نرخ بالاتر از بنزین سهمیه‌ای مثلاً ۴۰ درصد و شفاف‌سازی کامل صورت‌های مالی شرکت پالایش و پخش و سازمان هدفمندی و انتشار ماهانه گزارش هزینه‌ها و درآمدهای حاصل از فروش بنزین تا مردم بدانند عواید این افزایش صرف چه می‌شود.

۳. سیاست بسته جبرانی پیش‌دست و هدفمند: افزایش مبلغ یارانه نقدی یا اعتبار خرید کالاهای اساسی برای دهک‌های پایین (حداقل ۵۰ درصد جامعه) و واریز آن یک ماه پیش از اجرای برنامه.

۴. بسترسازی اجتماعی و نهادی (پیش‌نیاز اجرا): تشکیل کارگروه‌های محلی با حضور نمایندگان شوراهای شهر، اتحادیه‌های صنفی، تاکسیرانی و فعالان مدنی مستقل با هدف دریافت بازخورد و اصلاح طرح پیش از اجرا و افزایش اقبال عمومی و در عین حال

رسانه ملی به اقناع‌سازی با استناد به داده‌های شفاف بپردازد.

۴ صفحه ادامه در

۴ صفحه ادامه در

تدریجی یا منفعل‌شدن نخبگان اقتصادی بازار بود که پیش‌تر از حامیان سرسخت ملی‌شدن صنعت نفت به شمار می‌رفتند. ۳. چندنرخ‌شدن ارز و جهش هزینه کالاهای واسطه‌ای قطع درآمدهای نفتی، ذخایر ارزی بانک ملی را از ۱۹۵ میلیون دلار در سال ۱۳۲۹ به کمتر از ۱۸ میلیون دلار در تابستان ۱۳۳۲ کاهش داد. دولت برای حفظ ارز باقی‌مانده، دست به سهمیه‌بندی شدید ارزی و ایجاد نرخ‌های گوناگون (ارز دولتی، ارز تصدیق صادرات و ارز بازار آزاد) زد. اگرچه هدف دولت حمایت از کالاهای اساسی بود، اما بازار آزاد ارز با جهش خیره‌کننده‌ای مواجه شد. نرخ دلار در بازار آزاد تهران از حدود ۴۰ ریال در سال ۱۳۲۹ به بیش از صد ریال در اوایل ۱۳۳۳ رسید. این شکاف بیش از ۱۵۰درصدی، واردات قطعات، پارچه، دارو و ماشین‌آلات خرد را برای کارگاه‌ها و اصناف بسیار گران کرد. اصناف و طبقه متوسط شهری که هزینه زندگی‌شان بیش از ۶۰ درصد رشد کرده بود، فشار پولی ملموسی را در سفره روزمره خود احساس می‌کردند.

۴. آسیب‌شناسی رفتارشناسی سرمایه و طرح «اوراق قرضه ملی»

طرح عرضه اوراق قرضه ملی در دی‌ماه ۱۳۳۰ با هدف جذب دو میلیارد ریال نقدینگی از دست مردم و تأمین کسری بودجه دولت اجرا شد. در هفته‌های نخست، جنبش ملی و احساسات حماسی باعث شد بخشی از مردم و کارمندان خرد اقدام به خرید اوراق کنند؛ اما از منظر اقتصاد مالی، عدم طراحی «بازار ثانویه» برای نقدکردن این اوراق و فقدان افق شفاف برای بازپرداخت اصل و سود، نخبگان تجاری و سرمایه‌داران بزرگ را عقب راند. در نهایت، از دو میلیارد ریال اوراق منتشرشده، فقط حدود ۵۰۰ میلیون ریال (۲۵ درصد) به فروش رسید. این شکست در تأمین مالی، نشان داد که جذابیت‌های سیاسی و ملی‌گرایانه بدون ابزارهای کارآمد مالی و سودآوری واقعی نمی‌تواند ثروت‌های بزرگ بازار را برای مدت طولانی به سمت حمایت از دولت گسیل دهد.

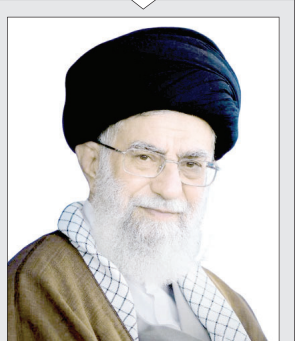
۴ صفحه ادامه در

آیین بزرگداشت چهلم

«آقای شهید ایران»

در مصلای تهران

۲ صفحه



برگزیده‌ها

فشار واشینگتن بر دمشق، گزینه رویارویی سوریه و حزب الله را زنده نگه داشته است

سوریه در دوراهی جنگ و بازسازی

۴ صفحه

«شرق» تغییرات رویکرد در بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را بررسی می‌کند

ترویج ممدانی؟

۳ صفحه

به بهانه نام‌گذاری جایزه یادداشت‌نویسی جشنواره چراغ حقیقت

چراغی روشن در مسیر روزنامه‌نگاری مسئولانه

۸ صفحه

وطن‌دوستی وظیفه‌محور

از فردوسی تا مصدق

یادداشتی از احمدرضا سازگارنژاد

۶ صفحه

یادداشت

تخاصم کسالت‌بار کلیشه‌ها



محمدجواد غلام‌رضا کاکی

نهادهای قدرت و ثروت، سخنها را به کلیشه تبدیل می‌کنند. سخن در قفس کلیشه‌ها حبس انفرادی تحمل می‌کند. کسانی برای رهایی و گشودن افقی تازه، به سخن کلیشه‌شده حمله می‌کنند. سخن کلیشه‌شده با محبوس انفرادی‌اش منکوب و طرد می‌شود. چندی می‌گذرد سخنی هم که در نقد و طرد سخن کلیشه‌شده به‌صحنه آمده بود، خود به کلیشه تبدیل می‌شود. تنها در میدان تخاصم کلیشه‌هاست که سخن محبوس‌شده خلاصی پیدا می‌کند. این داستان شریعتی و میراث اوست. متهم‌کردن شریعتی به خاطر ماجرای شاندل، یک داستان تکراری است. از دهه ۸۰ به این سو هرازچندی از سوی منتقدان بیان شده است. تکرار کلیشه‌وار این داستان، مصداقی از رویارویی کلیشه‌وار با نسخه کلیشه‌شده سخن شریعتی است. تا همین چند سال پیش برای فروش یک اتومبیل یا خانه ویلایی، عبارت «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود» روی تابلوهای تبلیغات شهری دیده می‌شد. هدف ترغیب مشتری به خرید بود. معنایی جز این نداشت که شتاب کن از دستت نرود. اما این عبارت بخشی از شعر قیصر امین‌پور بود: حرف‌های ما هنوز ناتمام، تا نگاه می‌کنی، وقت رفتن است. باز هم همان حکایت همیشگی. پیش از آنکه باخبر شوی، لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود، آی، ای دریغ و حسرت همیشگی، «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود»، شعر در یک لحظه، در نتیجه یک حادثه از عمق جان قیصر امین‌پور برخاسته است. طیش قلب و گرمای خون شاعر حتی پس از سال‌ها وفات او هنوز در کلمات شعر جاری است. اما «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود» روی تابلوی تبلیغاتی، عبارتی گسیخته از زمان و خالی از جان و تپش شاعر است. یک کلام مرده به‌مثابه یک کلیشه در خدمت تبلیغات بازرگانی به کار گرفته شده است. کلیشه صورت ابزاری‌شده کلام است، برای رفع مشکلات روزمره کلیشه شده است یا برای تأمین مقاصدی که اصحاب قدرت و ثروت دارند. تبدیل پاره‌های فکر و هنر به کلیشه، اتفاق متعارفی در دنیای سود و سرمایه و قدرت است، کلیشه‌ها صورت مرده پیام نخستین‌اند و به کار جلب مشتری در بازار و میدان اعمال سلطه می‌آیند. کلیشه‌شدن موارث فکری و فرهنگی ما، منحصر به شریعتی نیست. بخشی از کلام شریعتی در آستانه انقلاب به‌ویژه با استقرار نظام جدید، به کلیشه رایج تبدیل شد. سیستم مستعتر توان فراوانی برای کلیشه‌سازی داشت. ماجرا منحصر به میراث فرهنگی و دینی نبود، همه مفاهیم دنیای جدید نظیر آزادی و دموکراسی و عدالت و قانون نیز در امان نماندند.

۴ صفحه ادامه در

